

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

هیوادوال کابلی  
۱۵ جنوری ۲۰۱۱

## افتخار به خلق با شهامت تونس

در جهان امروز به جازمالک استعمارگرواستعمارگر، اکثریت کشورهای دیگر از استقلال واقعی و از حاکمیت ملی به معنی واقعی آن محروم اند. مستعمرات سابق استعمار قدیم که گویا فزون بر چهاردهه به اینسو به استقلال سیاسی خود دست یافته اند، در حقیقت در روابط تنگاتنگ اقتصادی با قدرت استعمارگر پیشین نگهداشته شده اند تا منابع طبیعی کشور «مستقل» و «به آزادی رسیده» تا حد ممکن به طور انحصاری بدانجا سرازیر شود. بدین ترتیب، انگلستان عمدتاً مرکز تجمع و شناسائی هویت های مستعمره هائی در آسیای دور و شبه قاره هند بوده، فرانسه و بئرینی برای بخش زیاد مستعمرات «دیروزی» قاره افریقا و هسپانیه گذرگاه مستعمراتی از آن نوع در امریکای لاتین می باشد.

تونس یکی از ممالکی است که با به دست آوردن استقلال خود در چند دهه پیش در قبضه قهرمان استقلال یا رئیس جمهور عمری - حبیب بورقیبه - در افتاد که تا زمان کهولت و مریضی هنوز هم قدرت را راها نمی کرد. وزیر داخله وی - زین العابدین بن علی - با استناد تصدیق صحی وی را خانه نشین ساخت که کودتایش به «کودتای صحی» شهرت یافت و خود را در سال ۱۹۸۷ رئیس جمهور اعلان کرد. مردم که از انحصار طلبی قهرمان استقلال به جان رسیده بودند، از بن علی در اول استقبال و پشتیبانی نمودند ولی وی به تدریج به اختناق متوسل شده، نظام دولتی تونس را به یکی از پولیسی ترین و فاشیستی ترین رژیم های جهان عرب مبدل ساخت. موازی با آن فساد اداری و استبداد بر مردم و نقض قوانین قبول شده بین المللی در قسمت آزادی های اجتماعی اوج گرفته و نفی هرگونه آزادی مدنی باعث ایجاد مطلق العنانی و کیش شخصیت رئیس جمهور شد. وی از زمان غصب قدرت تا امروز، پنج بار خود را برنده انتخابات ریاست جمهوری اعلان نموده بود و از مدت ۲۳ سال به اینسو بر مردم تونس حکومت می راند.

آنچه به چنین دلچکانی امکان ماندن در قدرت را میسر می سازد، اگر در ظاهر دست یازیدن آنها به فاشیسم از طریق استخبارات و سرکوب و اعدام است، در پشت پرده کشورهای امپریالیستی و به خصوص کشور استعمارگر دیروز، نخ های آنها را موازی با پیشبرد طرح ها و منافع استثماری خود می کشند. این در مورد رژیم رئیس جمهور مخلوع تونس کاملاً صدق می کرد چون تا آخر - وحتا تا حال - از حمایت بدون قید و شرط فرانسه برخوردار بوده است. وی که در فرانسه در ساحة نظامی تحصیل نموده و در تونس رتبه جنرالی داشت، نمی توانست یک روز هم به ضد منافع

بادار استعماری خود براریکه قدرت باقی بماند و مآشاهد بودیم که از حدود یک ماه به اینسکه اوضاع در تونس به طرف انفجار سیاسی و اجتماعی پیش می رفت ، کشورهای امپریالیستی که اینهمه از رعایت حقوق بشر و دموکراسی و آزادی های مدنی مزورانه حرف می زنند ، فقط مترصد اوضاع باقی مانده و کوشش داشتند تا حد ممکن از تبلیغ به نفع خیزش مردمی در آنجا جلوگیری نمایند. دموکراسی های کاذب غربی که با خون شدن بینی «هان سان سوکی» در برما و امثال وی که در جهت منافع شان قرار داشته باشند ، تا آسمان هفتم قیل و قال راه می اندازند ؛ در برابر طغیان اوج گیرنده در تونس طوری خبرپخش می نمودند و تبصره می نمودند که گوئی مسأله ای پیش افتاده و رو به خاموشی بوده است.

جرقه اول در تونس زمانی مشتعل شد که یکی از جوانان برای اعتراض علیه ظلم پولیس و کارمندان مفسد دولتی ، خود را در محضر عام آتش زد. وی که تحصیلات عالی خود را تمام نموده و دیپلوم داشت ، به خاطر پیشبرد زندگی و تأمین معیشت خانواده خود فروشنده دوره گرد سبزیجات شده بود. ولی دولت فاشیست تونس حتا همین راه معیشت را بروی بست. پولیس سفاک رژیم روزی به دلیل اینکه وی اجازه رسمی برای فروش امتعه نداشت ، تینگ وی را مصادره کرد که این امر موجب خودکشی آن جوان شد تا خشم خود را در برابر یک نظام فاسد ، متکی به کشورهای بیگانه و پولیس فاشیست آن نشان داده ، ممثل بیان درد مردم خود شود. وی که به شکل وخیمی سوخته بود ، با گذشت چند روز وبا وجود مراقبت صحی در شفاخانه ، با زندگی وداع گفت. یادش زنده و خاطره اش گرمی باد!

بن علی که به مانند «نجیب گاو» مکارگی های زیادی از بآداران فاشیست خود آموخته بود ، مزورانه به عیادت آن جوان عصیانگرو عدالتخواه به شفاخانه رفته بود و میخواست از پیکر سوخته آن جوان ناکام هم که شده برای فریب مردم سوء استفاده نماید غافل از اینکه آتشی را که آن جوان شعله و رساخت و جان خود را برای ابراز خشم همگانی در آن فدا نمود به زودی پایه های دکتاتوری خود وی را ذغال خواهد ساخت. وبا تمام تلاش هائی که رسانه های امپریالیستی در مدت چند هفته به خرچ دادند تا موضوع به فراموشی سپرده شده و اذهان عامه جهان به موضوعات دیگری مصروف شود ، سرخی خون های پاک اضافه از شصت تن شهیدای خیزش مردمی تونس نمی توانست بردستان کثیف بن علی و حامیان غربی اش نامرئی بماند.

شدت سرکوب وحشیانه مردم در شهر های مختلف تونس ، بازگوکننده وحشت و دهشتی است که مردم مظلوم تونس فزون بردوده قربانی آن بودند. آنچه از دید افراد با وجدان وبا بصیرت دور مانده نمی تواند اینست که ممالک امپریالیستی ، دکتاتور ، جنایتکار محکوم به اعمال ضدبشری و غیره و غیره را یا در وجود افرادی گویا شناسائی می نمایند که از نگاه ایدئولوژیک با آنها در تضاد قرار می گیرند و یا هم نوکران خودشان از قماش مهره هائی چون شاه ایران ، نوریگا ، صدام حسین و امثال آنها باشد که دیگر ماندن شان را براریکه قدرت برای منافع خود مفید نمی یابند. ولی کوچکنترین هجوی در مورد بن علی در اینهمه مدت از زبان غربی ها شنیده نمی شود. توگوئی که وی نه دکتاتور بوده ، نه شکنجه گر خلق تونس ، نه هم نقض کننده حقوق بشر و حقوق مدنی... و نه هم تهوع آورترین نمونه کیش شخصیت.

از نگاه سیاسی و دیپلماتیک موضعگیری غرب و به خصوص فرانسه در مورد بن علی تاحال روشن نشده است. دلیل نخستین آن غیر مترقبه بودن سقوط بن علی است که نه تنها بآداران فرانسوی اش بلکه همه حقه بازان غربی همدست وی را غافلگیر ساخته است. از سوی دیگر ، چون طغیان مردم تونس یک خیزش واقعی توده ئی است و تا جائی که دیده می شود هیچ حزب یا جریان سیاسی آن را رهبری ننموده است ، در حال حاضر کابوسی است برای دول امپریالیستی و رژیم های ارتجاعی تحت حمایه آنها، زیرا بیشترین ترس شان از فراگیر شدن اینگونه خیزش

خودبه خودی توده ئی درمیان مردمان زیراستثمار و اختناق در کشورهای دیگر شبه مستعمره می باشد. الجزایر همزمان با تونس شاهد رویارویی جوانان بیکار با پولیس و سرکوب و وحشیانه توسط پولیس بود ، امروز تظاهراتی در اردن هم راه افتاد که به اساس گزارش رسانه های خبری تا حال بدون خشونت بوده است.

دلیل دیگری که کشورهای غربی هنوز در سقوط بن علی موضعگیری ننموده اند ، به احتمال قوی تلاش های پشت پرده آنها برای یافتن جانشینی برای وی است که هم برای کشورهای امپریالیستی از نگاه تظاهر به دموکراسی غربی مساعد باشد و هم منافع شان را مثل گذشته تأمین نماید. تا چنین نشده ، دول مذکور فقط وقت کمائی خواهند نمود زیرا به رسمیت شناختن یک خیرش توده ئی که برای سقوط نوکر خودشان و محکومیت سرشت استعماری خودشان به راه افتاده است ، نمی تواند صادقانه و یاهم دیرپا باشد. با آنکه صدراعظم حکومت بن علی که الآن نیابت ریاست جمهور را تمثیل می نماید ، گویا مورد اعتماد مردم بوده و بدیل خوبی بوده می تواند ولی از آنجائیکه به هر حال وی پرزده مهمی در در دستگاه اختناق و استبداد رژیم بن علی بوده است ، از باز پرس مردم مصون مانده نمی تواند. بهائی را که مردم تونس درین چند هفته و به خصوص درین چند روز پرداخته اند ، متاع پرارزش و والائی را در بازگشت طلب دارد. هرگاه مقاومت مخفی ملی و انقلابی در تونس موجود بوده و بتواند به بسیج خود و فعالیت های خود به نفع توده ها بپردازد ، امیدی برای نجات واقعی مردم تونس - و شاید هم مردمان منطقه - در درازمدت به وجود آید ولی اگر عناصر آگاه ، پیشرو و ضد استعمار از متن اوضاع انقلابی فعلی غایب باشند ، دیربازود کشورهای امپریالیستی نوکر دیگری را با خال و خط فریبنده «آزادی» و «دموکراسی» بر مردم تونس تحمیل خواهند کرد.

با آنهم تشدید بحران سرمایه از دو سال به اینسو ، بلند رفتن سرسام آور رقم بیکاران در کشورهای پیش رفته صنعتی و همزمان افزایش فقرمادی و در نتیجه ورشکست شدن اعتبار دول سرمایه داری در نزد اتباع آن ، این امیدواری را به وجود می آورد که ممکن سقوط بن علی سر آغاز سقوط هائی باشد که محاط به قاره افریقا (در متن ترویج آرام نفوذچین در تقابل با کشورهای استعمارگر پیشین و مصادره خیزش خلق ها به نفع طرفین هژمونی طلب) نمانده و در خود کشورهای غربی شاهد آن باشیم. نارضایتی ها به شکل تظاهرات خیابانی در کشورهای یونان ، فرانسه ، ایتالیا ، پرتغال و اسپانیه نمونه های در حال تکوین می توانند باشند.

آنچه مبرهن است اینکه کشورهای استعماری هر قدر هم کوشش بخرچ دهند تا نوکران زر خرید خود را برگردده مردم تحمیل نموده آنها را برای اختناق ، سرکوب ، شکنجه و کشتار تا دندان مسلح سازند ، باز هم قادر نیستند که از انفجار اجتماعی ناشی از قهر دوران ساز توده ها جلوگیری نمایند. با مثال تونس ما شاهد توانائی خلق ها هستیم. وقتی خلقی اراده کند که یوغ بردگی را به دوراندازد ، بدون شک قادر به انجام آن خواهد بود. و این هشدار است به آن عده از روشنفکران خود فروخته نوع امریکائی در افغانستان که با فشردن دست جنایتکاران خلقی - پرچمی در کشور ما ، در خدمت منافع اشغالگران قرار گرفته اند. سقوط بن علی چند ساعت قبل بایست درس عبرتی برای کرسی و حواریون باشد...

**سربش فکرتاراج داشت**

**سحرته تن سر و نه سرتاج داشت**

**با آرزوی پیروزی خلق های بپاخاسته و سقوط حتمی دم و دستگاه استعمار!**